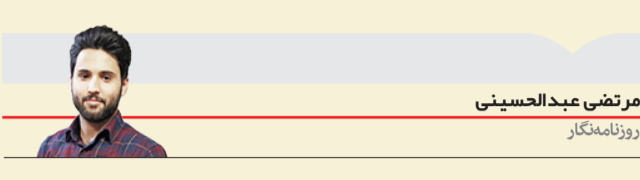


یادداشت

جنجال دلار واعظی



مرتضیٰ عبدالحسینی

روزنامه‌نگار

مردم ناخودآگاه توجه ویژه‌ای به سیاست‌های اقتصاد کلان مخصوصا سیاست‌های پولی دارند که مهم‌ترین شاخص آن، نرخ ارز است. نرخ ارز با محوریت دلار، لنگرگاه بخش بزرگی از انتظارات تورمی در ایران است و حتی کم‌سوادترها و مسن‌ترها نیز توجه ویژه‌ای به تغییرات قیمتی و رصد روزانه آن دارند. از سال‌ها پیش نخله فکری در جامعه شکل گرفته است که معتقد به افزایش عمدهی نرخ ارز از سوی دولت برای تأمین کسری بودجه و همچنین هماهنگ شدن قیمت همه کالاها اعم از وارداتی و داخلی با این نرخ است. مورد دوم نهنتها به لحاظ تجربی درست است، بلکه به‌لحاظ علمی نیز افزایش قیمت نرخ ارز می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های تولید، تورم فشار هزینه» و همچنین افزایش انتظارات تورمی شود، اما درمورد اول «افزایش عمدهی نرخ دلار توسط دولت» که همواره درمورد آن تردیدهایی وجود داشته است، با انتشار اظهارنظری منتسب به محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهوری درمورد دلار ۲۷ هزار تومانی، تردیدها ابتدا به یقین نزدیک‌تر شد اما با تکذیب این موضوع از سوی وی، حالا دو ابهام اصلی در این مساله وجود دارد؛ اول آیا افزایش نرخ ارز به نفع اقتصاد ایران و دولت است و ثابیا به فرض محال اگر هم اظهارنظر واعظی صحت می‌داشت، چه انگیزه‌ای می‌توانست دولت را مجاب به افزایش نرخ ارز کند؟

چرخه باطل ارزی در دولت عقلائیت

نرخ ارز برای کشورهایی که وابستگی بالاتری به واردات کالاها یا ساسی و سرمایه‌ای دارند، تعیین‌کننده انتظارات، تورم و بسیاری دیگر از تبعات است. در کشور ما به‌صورت ادواری دولت‌ها میل فراوانی به سرکوب نرخ ارز برای تعدیل انتظارات، کنترل تورم و… داشته‌اند که این مساله پنج دهه است که اقتصاد کشور را به بیماری هلندی مبتلا کرده است. میخکوب کردن نرخ ارز در نرخ‌های پایین‌تری که بانک مرکزی با عرضه بالای ارز در بازار انجام می‌دهد منجر به ارزان‌تر شدن واردات، صنعت‌زدایی و کاهش تولید داخلی در کشور است. اما هر چند سال یک‌بار، تعمیق کسری بودجه دولت و همچنین شوک‌های خارجی مانند تحریم، فنر فشردگی نرخ ارز را پاره کرده و انرژی زیادی را به شکل افزایش چند برابری نرخ ارز، آزاد کرده است. هم‌زمانی جهش‌های شدید قیمت دلار در کشور و همچنین تعمیق کسری بودجه، این جریان را در جامعه راه انداخته است که دولت برای جبران و کاهش کسری بودجه حقیقی خود اقدام به افزایش عمدهی نرخ ارز کرده. افزایش نرخ ارز در درجه اول از طریق بالا رفتن نرخ تسعیر (فروش ارز از سوی دولت به بانک مرکزی با نرخ‌های بالا) و در درجه بعدی با کاهش حقیقی کسری بودجه می‌تواند به دولت کمک کند اما این تنها ظاهر ماجراست و به چند دلیل علمی و تجربی نمی‌توان پذیرفت که چنین سیاستی در ایران و یا در هر کجای دنیا هم که انجام شده به نفع دولت‌ها تمام شده است. اولاً بالا رفتن نرخ ارز هم‌زمان با کاهش حقیقی هزینه‌ها و کسری بودجه دولت، درآمد‌های حقیقی دولت را نیز کاهش می‌دهد. در درجه بعدی افزایش نرخ تسعیر هم‌زمان با افزایش درآمد‌های ریالی دولت منجر به افزایش پایه پولی (از طریق افزایش دارایی‌های ناخالص خارجی بانک مرکزی) و درنهایت تورم و کاهش ارزش پول ملی می‌شود که کاهش ارزش درآمد‌های دولت نیز از آن مستثنی نیست. سووماً، قیمت ارز در ایران شاخصی برای عملکرد دولت‌ها بوده و بالاتر رفتن آن تبعات سیاسی بسیاری برای جریان حاکم در دولت خواهد داشت. با این اوصاف عقلائی نیست که افزایش عمدهی دلار در دستور کار دولت قرار گیرد و این افزایش نرخ به نفع دولت تمام شود.

دلار کجا و واعظی کجا؟

میل به‌پشت تریبون و جلوی دوربین رفتن در بین مسئولان معضل تاسف‌بار این روزهای اقتصاد کشور است. در همین موضوع می‌توان به جنجال نرخ ارز ۲۷ هزار تومانی که از سوی واعظی تکذیب شد، اشاره کرد. مساله مهم‌تر این اما این است که امثال رئیس‌دفتر ریاست‌جمهوری که هیچ تخصصی در زمینه‌های پولی و مالی نداشته و حتی در اظهارنظری به‌جای ارز دیجیتال «بیت‌کوین» و از واژه «بیت‌کون» استفاده کرده بود، چرا باید محور اظهارنظر خود را بر سخنرانی در حوزه ارز قرار دهد. آنچه واضح است، اینکه بر فرض درست بودن تکذیب واعظی، اینگونه اخبار می‌تواند اعتماد مردم به سیاستگذاران اقتصادی را تخریب کند. از قضا در همین زمینه باوروی پژوهشی بانک مرکزی مطالعه‌ای را منتشر کرده که نشان می‌دهد اظهارنظرهای غیرموثر و بیش از حد مقام‌های پولی و مالی کشور در فضای رسانه‌ای می‌تواند شوک‌های جدیدی را از طریق شکل دهی انتظارات مردم به بخش‌های مختلف اقتصاد؛ مسکن، ارز، طلا و… وارد کند، همچنین این امر می‌تواند اعتماد و سرمایه اجتماعی سیاستگذار پولی را از بین برده و درنهایت سیاستگذاری‌های پولی و ارزی را از مسیر و ریل اصلی خارج کند. بنابراین با همه مخاطراتی که اینگونه اظهارنظرهای متناقض خلق می‌کند، مشخص نیست چرا و با چه هدفی رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور، در موضوعی که تخصصی ندارد، باید سخنرانی کند.

تنها یک دلیل

توضیح داده شد که افزایش نرخ ارز، آن هم بیشتر از قیمت تعادلی به‌هیچ‌وجه مطلوب اقتصاد کشور، مردم و دولت نبوده است، کما اینکه سرکوب آن در نرخ‌های پایین‌تر از نرخ تعادلی نیز به‌جز دستاوردهای سیاسی و انتخاباتی هیچ عایدی‌ای برای اقتصادی نخواهد داشت. به‌نظر می‌رسد تنها درصورتی سخنان واعظی می‌توانست نزدیک به واقعیت باشد که دولت تصمیم بگیرد در شرایط کمبود منابع ارزی و در راستای تشویق صادرکنندگان برای ورود ارز بیشتر به کشور اقدام به دستکاری در نرخ ارز کند. براین اساس دولت ممکن است در مقطعی برای ترغیب صادرکنندگان به عرضه ارز صادراتی خود در سامانه نیما و سنا، قیمت در این سامانه‌ها را نزدیک به بازار آزاد کند تا برای صادرکنندگان نیز صرفه اقتصادی قابل توجهی ایجاد شود. محدودیت‌های بسیار شدیدی که در تیرماه امسال برای بازگشت حدود ۳۰ میلیارد دلار ارزهای استرداد نشده درنظر گرفته شده بود پیرو همین مساله بوده که می‌توانست در کنار سیاست سختگیرانه، انگیزه بیشتری را برای ورود ارزهای حاصل از صادرات به‌وجود بیاورد. در هر صورت این نکته لازم به ذکر است که افزایش نرخ ارز شاید در کوتاه‌مدت منجر به تشویق صادرکنندگان به عرضه بیشتر ارز در کشور شود، اما از آنجایی که بخش غیرمولد در ایران پرقدرت‌تر از بخش تولید هست، افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی برخلاف کشوری همانند چین که منجر به افزایش ظرفیت‌های صادراتی شده، در ایران به‌جای افزایش صادرات، عملاً بخش سفته‌باز و غیرمولد را تقویت کرده و با افزایش هزینه‌های تولید، عملاً به نابودی صادرات در بلندمدت و میان‌مدت منجر می‌شود. درنهایت، پرواضح است که افزایش نرخ ارز نهنتها کمکی به دولت نمی‌کند بلکه با افزایش نرخ تورم، معیشت و اقتصاد را نشانه گرفته و در حوزه صادرات نیز بسیار پرمخاطره است. بنابراین اگر به فرض محال هم سخنان محمود واعظی صحت داشت، تنها در یک صورت و آن هم تشویق به عرضه ارز بیشتر ازهای صادراتی در یک مقطع کوتاه می‌توانست انجام شده باشد.

اقتصاد

«فرهیختگان» بررسی کرد

۷ ضرورت جبران عقب‌ماندگی کشاورزی ایران



واستراتژیک به کشاورزی نگاه نمی‌کنند و آثار این نگاه نیز در جای‌جای بخش‌های مرتبط با کشاورزی به‌سادگی دیده می‌شود، از دانشکده‌های کشاورزی گرفته تا معضلاتی که در کف بازار، کشاورزان با آن روبه‌رو هستند. مورد جالب‌توجه بعدی، کشور هلند است. این کشور که حدود ۴۰ بار کوچک‌تر از ایران

و معادل وسعت دو استان شمالی کشورمان گیلان و مازندران است، با گسترش صنعت کشاورزی خود، سالانه بیش از ۹۰ میلیارد یورو صادرات محصولات کشاورزی داشته که رقمی بسیار بیشتر از صادرات نفتی ایران و بعضی کشورهای حاشیه خلیج فارس است (هلندرتبه صدوهجدهمین رادررتبه‌بندی سطح زیرکشت داراست ولی دومین صادرکننده محصولات کشاورزی است).

۷ زیرساخت ضروری

مستندات و بررسی‌های ارائه‌شده در بالا نشان می‌دهد که درآمدزایی از کشاورزی نهنتها در سطح کلان برای کشور با توجه به منابع، پتانسیل‌ها و به‌خصوص نیروی متخصص و جوان طرحی نور دور، از ذهن و دست‌یافتنی نیست، بلکه درحال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان درحال اجرا شدن است. اما کشاورزی نیز مانند هر صنعت مدرن و امروزی دیگر نیازمند زیرساخت‌ها و ملزوماتی است که طبعاً فرصت‌های حائز اهمیت را نیز درصورت اجراشدن این ملزومات به‌همراه خواهد داشت. در ادامه به مرور چندی از این ملزومات خواهیم پرداخت:
۱- ارائه طرحی بومی و متناسب با جغرافیای ایران به‌صورتی که در هر منطقه مشخص شود که چه محصولی باید کشت شود (الگوی کشت) تا بیشترین راندمان را کسب کند و پروژه‌های انتقال آب به‌حافظ برسد. ارائه طرح الگوی کشت جامع مدت‌هاست که از سوی متخصصان کشاورزی کشور مطالبه می‌شود و دولت‌ها نیز در دوره‌های مختلف طرح‌هایی ارائه کرده‌اند. اما این طرح‌ها یا جامعیت کافی نداشته‌اند یا الزامات قانونی و تشویقی درخور در این طرح‌ها پیش‌بینی نشده است.

۲- تولید و استفاده از الگوهای آبیاری و کاشت و برداشت پیشرفته جهت بالا بردن راندمان و کاهش هزینه تولید (این کار نیازمند ارتباط با دانشگاه‌های کشور جهت به‌روز ماندن و استفاده از علم‌روز دنیاست)
متأسفانه بسیاری از کشاورزان در سطح کشور هنوز از روش‌های قدیمی و غیراصولی برای کاشت، آبیاری و برداشت محصول استفاده می‌کنند که هم خسارات جبران‌ناپذیری را به آب‌های زیرزمینی و سطح زیرکشت وارد می‌کند و هم باعث از بین رفتن محصول و بالا رفتن هزینه تولید می‌شود.

۳- ایجاد کشت و صنعت‌ها برای یکپارچه‌سازی زمین‌های مناسب کشت جهت بالا بردن صرفه اقتصادی کشاورزی. از آنجا که استفاده از ماشین‌ها و ادوات کشاورزی امروزی و پیشرفته با توجه به قیمت آنها به‌خصوص بادرنظر گرفتن شرایط ارزی کشور برای زمین‌های کوچک میسر نیست، یکی از متداول‌ترین راه‌های غلبه بر این مشکل در دنیا- که همان ایجاد می‌شود:

خبر

هیات‌رئیسه مجلس شورای اسلامی تقدیم کردیم تا این طرح در اولویت زمانی مجلس قرار بگیرد.»
نماینده مردم تهران در ادامه گفت: «درحال حاضر اگر هیات‌رئیسه مجلس پیشنهاد در اولویت قرار گرفتن طرح مالیات برعایدی سرمایه را بپذیرد و آن را به رای بگذارد، خارج از نوبت طرح‌ها و لوایح به این موضوع رسیدگی خواهد شد.» وی در پاسخ به سوالی درخصوص زمان تقریبی بررسی این لایحه گفت: «با توجه به اینکه این مساله وابسته به تصمیم هیات‌رئیسه مجلس است در این مورد نمی‌توان پیش‌بینی کرد اما اگر متخصصان و کارشناسان کمک کنند و این مطالبه بیشتر شنیده شود، آن زمان می‌شود انتظار داشت که این لایحه در اولین روزهای سال ۱۴۰۰ در دستورکار قرار بگیرد اما این موضوع مستلزم موافقت هیات‌رئیسه برای طرح آن در صحن علنی است.»
خاندوزی با تاکید بر اهمیت مالیات برعایدی سرمایه گفت: «با توجه به افزایش قیمت دارایی‌هایی مانند مسکن و خودرو در سال



اقتصاد

«فرهیختگان» بررسی کرد

۷ ضرورت جبران عقب‌ماندگی کشاورزی ایران

۱- خروج از فشار تحریمی و خارج کردن اقتصاد کشور از زیر سایه نقت: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای احیای کشاورزی به‌خصوص در این دوران تحریمی را می‌توان درآمد سرشار ارزی آن برای کشور دانست. همچنین درصورت موفقیت در بازسازی این صنعت می‌توان امیدوار بود تا راه برای دیگر صنایع نیز باز شود و کشور تصمیمات جدی‌تری برای ایجاد اقتصاد مستقل از نفت اتخاذ کند.

۲- ایجاد اشتغال: همان‌طور که قبلاً اشاره شد، احیای صنعت کشاورزی مستلزم ایجاد کارخانه‌های صنایع تبدیلی، کشت‌وسعت‌ها و زنجیره توزیع و انتقال کالاست، که ایجاد چنین زیرساخت‌هایی باعث تولید اشتغال پایدار برای بخش کارگری و غیرکارگری می‌شود.

۳- سوق دادن سرمایه‌های سرگردان به سمت صنعت و کاهش بنگاه‌داری در کشور: یکی از مشکلات دیگر در کشور عدم جذابیت صنایع کشور برای سرمایه‌گذاری است، که اگر صنعت کشاورزی را به طرق اصولی احیا و تبدیل به یک صنعت صادراتی کنیم، می‌توان بخشی از سرمایه‌های موجود در جامعه را به‌سمت کشاورزی جذب کرد.

۴- کاهش تمرکزگرایی، جلوگیری از مهاجرت به شهرها و طبعاً کاهش معضلات اجتماعی پیرامون آن: از آنجا که بسیاری از سطوح قابل کشت در شهرهای غیرمرکز قرار دارند و همچنین درنظر گرفتن این نکته که قیمت زمین نیز در این مناطق در مقایسه با شهرهای بزرگ و مرکز ارزان‌تر است، بازسازی صنعت کشاورزی هم باعث رشد اقتصادی این مناطق و هم اشتغال نیروی کار بومی می‌شود که نتیجه آن عدم مهاجرت ساکنان آن مناطق و کاهش حاشیه‌شینی و معضلات ناشی از آن است.

۵- کاهش مصرف آب: براساس آمارهای وزارت جهاد کشاورزی، بیش از ۹۰ درصد آب‌شیرین‌صرفی، مربوط به‌بخش کشاورزی است که با استفاده از روش‌های نوین آبیاری می‌توان آن را به مقدار قابل توجهی کاهش داد. با عنایت به موارد بالا، با توجه به اهداف بلندمدت دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی برای ایجاد اقتصاد مستقل از نفت و وضعیت تحریمی و ارزی بحرانی امروز کشور براساس پیشسینه تاریخی صنت کشاورزی و تجارت محصولات آن در ایران و همچنین پتانسیل‌های موجود در کشور از جهت منابع آب، سطح قابل کشت، نیروی کار و برخورداری کشور از منابع انرژی که همه اینها باعث بالا رفتن مزیت رقابتی محصولات ایرانی می‌شود، به‌نظر می‌رسد احیای صنعت کشاورزی یکی از راه‌های عملیاتی برای ایجاد اقتصاد مستقل از نفت و برون‌رفت از مشکلات تحریمی و ارزی کشور باشد.

منابع:

محمدهلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، ۱۳۹۳، چاپ بیستم، ص ۳۵۴.

سعید لیلزار، موج دوم توسعه آمرانه، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۵۲، صفحه ۴۱۶.

جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ نهم، ۱۳۸۸، ص ۴۷۶

https://b2n.ir/29057

https://b2n.ir/d37684

html.127565/03/http://ayaronline.ir/1394

https://b2n.ir/q89372

https://b2n.ir/k18815

https://b2n.ir/046662

https://b2n.ir/p13263

https://yun.ir/dkw4q3

«تعدد قوانین، اثرات منفی بر تولید دارند و این امر، سبب‌شده فعالان اقتصادی قدرت تصمیم در سرمایه‌گذاری نداشته باشند.» وی درخصوص هدایت‌نقدینگی به‌سمت تولید گفت: «درصورتی که نقدینگی در کشور به‌سمت تولید هدایت شود سبب رشد اقتصادی می‌شود، اما این اتفاق نمی‌افتد.» وی ادامه داد: «بخش عمده نقدینگی بانک‌ها که دراختیار تسهیلات‌گیرندگان است، بلوکه‌شده و این امر سبب شده تولیدکنندگان نتوانند به‌راحتی تسهیلات دریافت کنند.» مصباحی‌مقدم گفت: «همه افرادی که تسهیلات دریافت می‌کنند نیز آن را به‌سمت تولید نمی‌برند و متأسفانه نقدینگی دریافتی را به‌سمت بازارهای غیرمولد هدایت می‌کنند.» وی با تاکید بر اینکه باید نقدینگی به‌سمت تولید هدایت شود، افزود: «درصورتی که نظارت بر تسهیلات‌دهی بانک‌ها دقیق و کامل باشد نقدینگی موجود در بانک‌ها به‌سمت تولید هدایت می‌شود.»

جاری و جهش کم‌سابقه‌ای که فشار مالی شدیدی را بر زندگی مردم تحمیل کرده است به‌نظر می‌رسد یکی از اولویت‌های بررسی مجلس برای پاسخ دادن به‌نیازهای اقتصادی مردم، تعبیه‌سرعت‌گیرهایی در مسیر نقدینگی به‌سمت دارایی‌هایی مانند مسکن و خودرو است به‌نحوی که موجب شود افزایش نقدینگی تاثیر کمتری بر این بازارها بگذارد.»

انحراف نقدینگی بانک‌ها به‌سمت فعالیت‌های غیرتولیدی

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «درصورتی که نظارت بر تسهیلات‌دهی بانک‌ها دقیق و کامل باشد نقدینگی موجود در بانک‌ها به‌سمت تولید هدایت می‌شود.» به گزارش تسنیم، غلامرضا مصباحی‌مقدم گفت: «قوانین، نقش مهمی در کمک به رونق تولید دارد، اما متأسفانه ما در کشور با ثبات قوانین روبه‌رو نیستیم.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: